



در باب یونان کوچک

خوشوقتیم که در پایان عمر توفیقی یافتیم تا در این مکان ارجمند، برای دومین بار خطاب به همشهریان عزیزم، مطالبی را بیان کنم. خیلی اهل مجلس و سخنرانی نیستم یا لاقلاً با علاقه در مجالس حاضر نمی شوم اما از حضور در این مجلس خیلی خوشحالم و بیشتر از این نظر که یک عده جوان خوش ذوق، اهتمام به احیاء گذشته اردکان کردند. خود من هم از جوانی به این کار مایل بودم، که این مقصود حاصل نشد و وقتی بازار اردکان خراب شد، از نوشتن و مطالعه تاریخ اردکان تقریباً منصرف شدم. انسان تنها موجودیست که اهل یاد و دوستی است. من تاریخ نویس نیستم، معلم هستم و به تاریخ با نگاه فلسفی می نگرم. ... وقتی بازار اردکان خراب شد همه مردم شاد بودند و شیرینی تعارف می کردند و چیز بدی نبود و همه خوشحال بودند که خیابان احداث می شود. چرا که احداث خیابان را از مظاهر تجدد و پیشرفت می دانستند. برای من مسأله، جای تعجب بود و می دانستم که خیابان را جای دیگری هم می شود احداث کرد. تعلق خاطر من به اردکان، ریشه در وجود من دارد و انسان موجودی است که تفاوتش با دیگر مخلوقات این است که یاد و یادگار دارد.

حدیث نبوی که اشاره مینماید به این موضوع که "حب الموطن من الایمان". این دلبستگی بد نیست و عیب نیست. انسان به وطنش علاقه دارد. البته وطن با میهن و کشور تفاوت دارد. .. وطن جایبست که انسان بدان انس دارد و غریب نیست و زبان آدم را درک می کنند. ما به زمان تعلق داریم، و با زمان زندگی می کنیم. اما این زمان در مکان ساکن می شود. به همین جهت شما جوانان و من پیر، به این مکان - اردکان - تعلق داریم. من در اردکان 2 هزار سال زندگی کرده ام! زمانی که مردم با دستشان زمین را می کندند... اما الان، اردکان چیز دیگری است. اردکانی که من در آن بزرگ شدم با اردکان امروز زمین تا آسمان تفاوت دارد. مع هذا همه ما به این مکان تعلق داریم و اردکان را دوست داریم. این اردکان می طلبد که یک عده جوان خوش ذوق ببینند و این تاریخ را احیاء کنند. .. البته برای من و در یاد من این تاریخ از دست رفته نیست. اما یک شان دیگر اردکان را هم ببینیم. ما وقتی امروز به شهرها و امکاناتشان نگاه می کنیم، شاید از این منظر اردکان از امکانات فوق المعاده ای برخوردار نباشد اما چهره های اثر گذار و علمی و بزرگی داشته و دارد. چرا یونان کوچک؟! مرحوم آقای آشیخ محمد حایریان که حق معلمی بر گردن ما دارند می فرمودند که یک زمان در اردکان در یک اتلاق نسبتاً بزرگ، 20 نفر مجتهد نشسته بودند. جایی که جمعیت آنزمان آن کمتر از 5 هزار نفر بود و این نشانه این است که اینجا مرکز علم است. ... این موضوع را (اردکان یونان کوچک) فقط در تاریخ مفیدی جستجو نکنید،

بلکه در کتب پراکنده دیگر هم می بینید . وقتی جایی را یونان کوچک بخوانند، اوج احترام است و مدحی بیش از این برای شهر ما ممکن نبوده. یونان امروز را نبینید که گرفتار مشکلات فراوان است. یونان در گذشته دروازه علم جدید برای اروپا بود و از عظمت و بزرگی خاصی برخوردار بوده است . خاطره ای بگویم تا عظمت یونان را بهتر درک کنید . سالیانی پیش برای بازدید یونان به " المپ " رفته بودم. دو نفر داشتند فرانسوی حرف می زدند و احساس کردند که من حرفهایشان را می فهمم. پرسیدند که از کجا آمده اید و به چه منظور؟ گفتم از ایران آمده ام و برای " زیارت ". البته که به واقع گفتم که برای زیارت آمده ام. آنانی هم که به اردکان یونان کوچک گفته اند، حق داشتند بگویند که اینجا قصبه کوچکی است که در عین کوچکی، بزرگان یونان را به یاد می آورد . می شود به این عنوان افتخار کرد . اگر به صاحبان فضل امروز هم نگاه کنید، می بینید که این میراث گذشته همچنان باقی است .

شاید دیگر مشکل باشد که چنین فرصتی به دست بیاید و در یک معنی ادای احترام بکنم به خاکی که در آن به دنیا آمدم و پرورده شدم و از سوی دیگر انسان باید خود را باز بشناسد و ما گذشته خود را باز بشناسیم و تعلق خود را به یاد بیاوریم.

به هر حال اینجا جای همه ما است و محل تعلق و علاقه همه ما است و اینکه جنبشی شروع شده به خصوص این خدمت تاریخی جای شکر دارد . توجه داشته باشید که هر مردمی به هر چه احتیاج نداشته باشند به تاریخ احتیاج دارند . هیچ مردمی بی نیاز از تاریخ نیستند و مردمی که تاریخ نداشته باشند ، روح ندارند و کسی که تعلق خاطر ندارد زنده نیست . در این احیاء تاریخ ، سعی کنیم که آزادانه و منصفانه عمل کنیم . کسی تا به چیزی تعلق نداشته باشد، میل مطالعه هم ندارد . به حوادث خاصی کار ندارم. زندگی امروز، زندگی است که نشاط در آن نیست . زمانه ما زمان ملال است .